

غزل شماره ۴۲۶

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
اِنِّی رَأِیتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِیَامَہ

دارم من از فراقش در دیده صد علامت
لَیْسَتْ دُمُوعٌ عَیْنِی هَذَا لَنَا الْعِلَامَہ

هر چند کار مودم از وی نبود سودم
مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرِبَ حَلَّتْ بِهِ الذَّمَامَہ

پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا
فی بُعداً عذابٌ فی قُربها السلامه

کفتم ملامت آید کرد دوست کردم
واسه ما رَاینا حُباً بلا ملامه

حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
حتّی یَدوق مِثْ کَأْساً مِنْ الکرامه

تفسیر فال

برای کسی که حتی از جانتان هم عزیزتر و ارزشمندتر است، پیغامی فرستاده‌اید که به شدت نگرانید مبدا این پیام به دست او نرسد؛ حتی تا قیامت نیز این نگرانی در دل شما موج می‌زند. همه بر این موضوع واقف‌اند که تنها درد و رنجی که در وجودتان احساس می‌کنید، فراق و دوری از اوست. هر جا که بروید، با هر کس مواجه شوید، احوال او را جویا می‌شوید و در دل خود آرزو دارید تا سلامی را به او در غربت برسانید. این شوق و دغدغه‌ای عمیق است که نشان‌دهنده‌ی محبت خالص شما نسبت به اوست. خداوند کریم است و بی‌شک درخواست‌های شما را می‌داند؛ او آگاه است که چقدر ذهنتان مشغول این موضوع است. بنابراین، امید آنکه خداوند با رحمتش این پیام ارزشمند را به محبوب دل شما برساند و آرامش را برای قلب پر التهاب شما پدید آورد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)